نگاه

علاقه‌مندی مردم کشورهای منطقه به ادبیات پایداری

کتاب‌هایی که جنگ روانی وهابیون را خنثی می‌کند

■ احمد محمدتبریزی

هر ملت و کشوری به فراخور تاریخی که از سرگذرانده دارای پیشینه‌ای ادبی از شرح مقاومت‌ها، ایستادگی‌ها و جانفشانی‌های مردمانش مقابل دشمنان خارجی است. ادبیات پایداری بخشی از هویت و شناسنامه ملل مختلف است که در طول تاریخ از گذشتگان به نسل‌های امروز به ارث رسیده و همواره در روح زمانه جاری و ساری است. ایران هم به خاطر موقعیت ویژه تاریخی‌اش سرشار از رشادت‌های مردمانش مقابل بیگانگان بوده و از پشتوانه‌ای قوی در زمینه ادبیات پایداری برخوردار است.

به گزارش «جوان» برای شناخت روحیه هر ملتی باید به ادبیات پایداری آن کشور رجوع کرد. هرچه این ادبیات غنی باشد و نویسندگان با نگاهی واقع‌بینانه به تاریخ، از ایثار و مقاومت مردم سرزمینشان کتاب‌ها نوشته باشند، می‌توان فهمید مردم آن سرزمین تا چه اندازه روحیه مبارزه، دفاع و جنگندگی داشته‌اند.

چند سالی است دانشگاه شهید باهنر کرمان اولین رشته ادبیات پایداری را در کشور تأسیس کرده و گام بزرگی در شکوفایی این گونه ادبی برداشته است. احمد امیری خراسانی عضو هیئت علمی این دانشگاه شهید باهنر کرمان و از بانیان این کار بزرگ، در گفت‌وگو با «جوان» درباره ادبیات پایداری ایران می‌گوید: «ما در طول تاریخ با انواع و اقسام قبایل سر و کار داریم. وقتی این اقوام بیگانه به کشورمان حمله می‌کردند ملت ما از خودش مقاومت نشان می‌داد و آثاری در این زمینه پدید می‌آورد. بعد از آن می‌رسیم به دوران انقلاب اسلامی که ادبیات در مقابل استبداد داخلی ایجاد می‌شود. بعد از آن جنگ هشت‌ساله تحمیلی و دوران طلایی دفاع‌مقدس را داریم که زیباترین مقاومت و پایداری در این هشت سال شکل می‌گیرد.»

امیری خراسانی در ادامه بیان می‌کند: «برخی تصور می‌کنند وقتی ما می‌گوییم ادبیات پایداری و مقاومت، فقط منظورمان ادبیات جنگ و دفاع‌مقدس است، در حالی که منظورمان ادبیاتی است که در طول یک تاریخ به وقوع پیوسته است. در زمان حاضر گل سرسبد پایداری و ایستادگی دوران هشت سال دفاع‌مقدس است. ادبیات پایداری را در سه حوزه تقسیم‌بندی می‌کنیم. یکی ادبیات پایداری که خاص کشور خودمان است. دیگری ادبیات پایداری منطقه‌ای مثل کشورهای خاورمیانه مانند عراق، افغانستان، لبنان و فلسطین که در مقابل هجوم بیگانگان پایداری نشان داده‌اند. همچنین ادبیات پایداری جهانی داریم. در مقابل جنگ جهانی اول و دوم مگر کم آثار ادبی ایجاد شد یا مقاومتی که سرخپوستان و سیاهپوستان و برده‌داران از خودشان نشان دادند. اما خمیرمایه هر کدام با هم متفاوت است. خمیرمایه ادبیات پایداری ما عمدتاً اعتقادی، اخلاقی، وطنی و دینی است و ممکن است خمیرمایه کشورهای دیگر متفاوت از ما باشد.»

کتاب‌های مربوط به ادبیات پایداری مردم ایران، در کشورهای عربی منطقه طرفداران خاص خودش را دارد. با اینکه سیاستمداران برخی از این کشورها خواهان داشتن روابطی خوب و حسنه با ایران نیستند، ولی مردمانشان با خواندن ادبیات پایداری ایرانی‌ها سعی در پر کردن خلأ تاریخی‌شان دارند.

مسعود اسعدی مترجم عربی کتاب‌هایی چون «پیغام ماهی‌ها»، «مهتاب خین»، «در هاله‌ای از غبار»، «آن بیست و سه نفر» و «من زنده‌ام» در پاسخ به این سؤال که آیا ترجمه این آثار می‌تواند در تقویت جبهه مقاومت مؤثر باشد، توضیح می‌دهد: «قطعاً چون زبان، زبان عربی است قاعدتاً برای کشورهای عربی جذاب است. گزارش‌هایی هم که دریافت می‌شود حاکی از این است این آثار در مردم سوریه، عراق، لبنان و دیگر کشورهای عربی طرفداران بسیاری دارد. در بعضی مواقع کتابی مثل «من زنده‌ام» به چاپ مجدد رسیده است.»

اسعدی درباره بازخورد منفی کشورهای عرب زبانی مثل عربستان سعودی و امثال آن توضیح داد: «آنها همواره در مقابل کتاب‌های ترجمه شده‌ای که به دفاع مقدس می‌پردازد جنگ روانی راه می‌اندازند و سعی در مقابله با این آثار دارند. اما به یاری خدا آنچه باید اتفاق بیفتد و انتظار داریم اتفاق می‌افتد. چراکه نفس گرم شهدایی چون سردار همدانی همراه جبهه مقاومت است.»

نویسندگان و ناشران اگر بتوانند به خوبی از گل سرسبد ادبیات پایداری کشورمان که همان دفاع مقدس باشد، کتاب‌هایی جذاب و خواندنی تألیف کنند، می‌توان دلاوری‌های شهیدان و رزمندگان را برای مردم دیگر کشورها تشریح کرد. ارائه این گونه ادبی در کنار اینکه موجب شناخت دیگر کشورها از فرهنگ ناب و خالص ایرانی‌ها می‌شود یک عامل بازدارنده و ضدجنگ هم به حساب می‌آید.

گفت‌وگوی «جوان» با «مرصاد» از فرماندهان لشکر فاطمیون

ما را از سر بریده نترسانید!

■ صغری خیل فرهنگ

نام جهادی‌اش مرصاد است؛ از فرماندهان لشکر فاطمیون. جانباز جبهه مقاومت اسلامی. اهل مشهد و متولد ۱۳۵۳. مرصاد که مربی رسمی فدراسیون کاراته است و دان ۵ این رشته را دارد، ورزیدگی تنش را به ایمان گره می‌زند و سال‌هاست در جبهه مقاومت اسلامی حضور دارد. او در این جبهه تا به آنجا پیش رفته که اکنون از فرماندهان لشکر فاطمیون است. گفت‌وگوی ما با مرصاد را پیش رو دارید.

چطور خودتان را از میدان ورزشی به میدان جهاد رساندید؟

خب من یک بسیجی هستم. مربی کاراته بودم و زندگی عادی خودم را داشتم. دو کلاس آموزش رزمی در مشهد داشتم و در کنار همه اینها کار ساختمانی هم می‌کردم و خدا را شکر وضع مالی خوبی هم داشتم. اما زمانی که بحث دفاع از حرم پیش آمد تاب ماندن نداشتم. در اولین اعزاممان خوب به یاد دارم تروریست‌ها تا فرودگاه دمشق آمده بودند. مسلحین تا نزدیکی حرم عمه سادات هم پیش آمده بودند و روی دیوار حرم نوشته بودند: «تو خواهی رفت همچنان که بشار اسد خواهد رفت.»

این برای ما خیلی سخت بود. ما دو بانوی بزرگوار حضرت زینب(س) و حضرت رقیه(س) را داریم. همه ایرانی هستیم و رگ ناموس‌پرستی را از حضرت ابوالفضل(ع) به ارث برده‌ایم. برای ما قابل قبول نیست که بیایند قبر را بشکافند و.. الان که تصور می‌کنم رگ‌های غیرتم متورم می‌شوند. به خاطر همین امثال ما ترک دیار کردیم و به همه چیز پشت پا زدیم و وقتی صدای هل من ناصر امام حسین (ع) و حضرت زینب(س) از شام به گوش می‌رسید قالوا بلی گویان راهی شدیم. گفتیم اگر در کربلا نبودیم امروز نمی‌گذاریم پای حرامی به حرم باز شود و بعد از مشورت و راهنمایی گرفتن از شهید مرتضی عطایی (ابو علی) با تهیه مدارک افغانستانی خود را به بدنه فاطمیون وصل کردم و از آنجایی که آموزش‌های لازم را پیشتر دیده بودیم توانستیم برای آنها مفید باشیم و خدا را شکر بودنمان بهتر از نبودنمان است.

گذشتن از هویتتان برایتان سخت نبود؟

گذشتن از هویت سخت است اما کسانی که در این راه مانند من، شهید مرتضی عطایی و شهید سید ابراهیم صدرزاده و امثالهم راهی می‌شوند، در راه دفاع از حرم از هویت خودشان می‌گذرند و این نهایت اخلاص بچه‌ها را می‌رساند. همیشه این نگرانی وجود دارد که اگر شناسایی بشوند باید به عقب برگردانده شوند. اما ما منتظریم که خدا برای‌مان چه می‌خواهد. ما هویتمان را به خاطر خانم گذاشتیم کنار و به ایرانی بودنمان می‌بالیم.

> گذشتن از هویت سخت است اما کسانی که در این راه مانند من، شهید مرتضی عطایی و شهید سید ابراهیم صدرزاده و امثالهم راهی می‌شوند، در راه دفاع از حرم از هویت خودشان می‌گذرند و این نهایت اخلاص بچه‌ها را می‌رساند. همیشه این نگرانی وجود دارد که اگر شناسایی بشوند باید به عقب برگردانده شوند

قاعدتاً مشکلات زیادی بعد از تغییر هویت و بازگشت برایتان پیش می‌آید؟

بسیاری از رزمنده‌ها هستند که در بدنه فاطمیون با تمام وجودشان تلاش می‌کنند. اما وقتی که مجروحیت یا اتفاقی برای بچه‌ها پیش می‌آید در دسرها تازه آغاز می‌شود. مسئولان فاطمیون می‌گویند شما ایرانی هستید به ما مربوط نمی‌شود و مسئولان ایرانی بنیاد می‌گویند شما با هویت خودتان نرفتید و این کارتان درست نیست؛ از این رو حمایتی نمی‌کنند. خود من چهار بار از ناحیه پا، گردن و کمر مجروح شدم و دچار موج گرفتگی هم شده‌ام. وقتی یکی از بچه‌ها با شرایط من شهید می‌شود تشییعی برگزار شده و تمام می‌شود اما وقتی سخت مجروح شویم تازه مشکلات آغاز می‌شود.

ممکن است کمی بیشتر برایمان توضیح بدهید؟

من در خان طومان حضور داشتم زمانی که آنجا سقوط کرد در سمت معاونت نیرو بودم. به شدت مجروح شدم و مچ پایم قطع شد. بعد از انتقال به بیمارستان دوباره پیوند زده شد. امروز با توجه به شرایط جسمانی در کار ستادی مشغول هستم و دیگر نمی‌توانم در عملیات شرکت کنم. با تمام شرایط سخت جسمانی در بنیاد پرونده‌ای ندارم. تا زمانی که در منطقه حضور داریم حقوقمان را می‌گیریم و به محض اینکه پایمان به کشور برسد آن حقوق ناچیز قطع می‌شود. در ضمن خبری هم از دریافت‌های میلیونی و میلیاردی نیست. امروز با توجه به از کار افتادگی‌ام منبع درآمدی ندارم. دنبال شغل گشتم اما وقتی می‌فهمند مدافع حرم هستم نمی‌پذیرند و می‌گویند شما برای ولایت فقیه رفته‌ای، برای بشار اسد رفته‌ای به ما ربطی ندارد بروید دنبال کارتان. بله ما مطیع امر ولایتیم و با اشاره چشم آقا راهی میدان جهاد شدیم. به قولی از تو به یک اشاره از ما به سر دویدن.

شنیدن حرف‌هایی که به آن اشاره کردید آزارتان نمی‌دهد؟

ما به عشق عمه جان رفتیم. رفته بودیم که سر بدهیم، اما پا دادیم، دست دادیم. عزیزی می‌گفت شما مدافعان حرم فراموشکار شده‌اید! گفتم چطور؟ گفت وقتی می‌روید یادتان می‌رود پاهایتان را دست‌هایتان را برخی حتی فراموشکارترند یادشان می‌رود پیکرهایشان را بیاورند.

این لطف خدا بود و خواست عمه‌مان حضرت زینب که برویم و بجنگیم. رفتیم، جنگیدیم، خیلی شهید هم دادیم، خیلی اسیر و مفقودالاثر هم دادیم. انقدر که دمشق امن شد، حرم امن شد. فرودگاه امن شد و خیلی جاهای دیگر را از اشغالشان درآوردیم. ما رفتیم و اجازه ندادیم کاروان اسرا راه بیفتد، فرزندان ابوسفیان این بار هم کور خوانده‌اند که کاروانی را به اسارت ببرند. ما انقدر در این راه می‌مانیم تا خونمان را بدهیم.

شما سه سال در منطقه حضور داشتید و در سنگرهای جهادی عراق، لبنان و سوریه مجاهدت کردید. خانواده با نبودن‌های شما چطور کنار آمد؟

الحمدلله خانواده خوبی دارم. دو فرزند و همسری که امروز همه داشته‌هایم را مدیون و مرهون ایستادگی و ایثار او هستم. می‌گویند پشت هر شهیدی یک شهیده است و من می‌گویم پشت سر جانبازان هم جانبازی دیگر. من رفتم تا کار جهادی انجام دهم و همسرم ماند تا کار زینبی کند.

مرصاد مصاحبه‌مان را با خواندن این شعر به پایان رساند:

داعش، چه ز «ما و کربلا» می‌دانی؟
ما را ز سر بریده می‌ترسانی؟
ما گر ز سر بریده می‌ترسیدیم
در مستی مرگمان نمی‌رقصیدیم
ما شیفته راه شهادت هستیم
سرباز وفدایی ابوالفضل هستیم
صد بار اگر کشته به راهش گردیم
با جان دگر دوباره برمی‌گردیم
شاگرد کلاس اول عباسیم
پس روی حسین و زینبش حساسیم

گفت‌وگو

اوضاع و احوال کتب حوزه دفاع مقدس در گفت‌وگوی «جوان» با جواد کلاته عربی

نوشتن از جنگ نیازمند نگاه‌های نو است

■ علیرضا محمدی

امروزه ادبیات دفاع مقدس به عنوان یکی از حوزه‌های ادبی پرطرفدار کشورمان، حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد. حوزه‌ای پر سوژه و (شاید) کم کتاب! که فرصت‌ها و تهدیدهای بسیاری را پیرامون خود احساس می‌کند. در حالی که به تازگی سی‌امین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران را پشت سر گذاشته‌ایم و هنوز بحث «کتاب» داغ است، به سراغ جواد کلاته عربی مسئول بخش ادبیات دفاع مقدس مؤسسه فرهنگی، هنری روایت ۲۷ بعثت رفتیم تا مروری بر حال و اوضاع کتب این حوزه داشته باشیم. کلاته با ۱۰ سال سابقه نویسندگی تا کنون چهار عنوان کتاب به رشته تحریر درآورده است که دو عنوان از آنها با نام‌های «بیش از چند نفر» زندگینامه سردار شهید عباس جولایی و «مگر چشم تو دریاست» زندگینامه مادر شهیدان جنیدی (چهار برادر شهید) مربوط به حوزه دفاع مقدس هستند.

یک بحثی اخیراً مطرح شده با این مضمون که توجه بیش از حد به خاطره‌نویسی در خصوص دفاع مقدس باعث تضعیف دیگر عرصه‌های این حوزه مثل رمان‌نویسی می‌شود، نظر شما چیست؟

در پرداختن به دفاع مقدس شاید برخی از ژانرها موفق‌تر باشند. اگر شما بخواهید زندگینامه یکی از سرداران شهید جنگ تحمیلی را که شخصیتی واقعی است به شکل رمان بنویسید، با مشکلات عدیده‌ای رو به رو می‌شوید. چراکه در داستان‌نویسی شما پا در مرز خیال می‌گذارید، در حالی که شخصیت رمانتان واقعی است. اینجاست که غالباً ژانر خاطره‌نویسی موفق‌تر عمل می‌کند. البته این حرف به معنی تعطیل کردن سایر ژانرها مثل همان رمان‌نویسی که شما اشاره کردید نیست. ولی به نظر می‌رسد در حال حاضر خاطره‌گویی و خاطره‌نویسی در این حوزه حرف‌های بیشتری برای گفتن داشته باشد. اکنون ما فرصت کمی برای ثبت خاطرات یادگاران جنگ داریم. هرچه زمان می‌گذرد دستمان از حیث منابع شفاهی کوتاه‌تر می‌شود. در آینده خواهی نخواهی بحث خاطره‌نویسی منتفی می‌شود. قطعاً آن زمان مجال برای رمان‌نویسی بیشتر می‌شود.

یعنی از نظر شما فضای کنونی در عرصه نویسندگی دفاع مقدس یک رابطه منطقی را طی می‌کند؟

از حیث ثبت خاطرات بله، اقتضای زمان است. اما یک مشکلی که این عرصه از آن رنج می‌برد، عدم توجه به نوآوری است. به عنوان مثال در اوایل دهه ۸۰ قالب‌های جدیدی وارد بازار شد با این مضمون که جنگ یا شهدای دفاع مقدس را از نگاه مادران، همسران و... به رشته تحریر درآورند. این قالب نگارشی آن زمان یک نوآوری محسوب و باعث جذب مخاطب می‌شد. اما اکنون که بیش از یک دهه سپری شده، خیلی از نویسندگان این حوزه تنها به کپی‌برداری سبک‌های رایج می‌پردازند و کمتر شاهد نوآوری هستیم.

از حیث اقبال مردمی کتب دفاع مقدس از اوضاع خوبی برخوردارند؟

خوب است اما می‌تواند بهتر باشد. اکنون ناشران خوبی در این عرصه داریم که موفق عمل می‌کنند. اما به شکل کلی یک عقب‌ماندگی در این حوزه وجود دارد به این معنی که دیر عمل کرده‌ایم و زمان به ضرر ما است. اگر فرض بگیریم یک میلیون نفر در جنگ شرکت داشته‌اند، در برابر این آمار چه تعداد کتاب منتشر شده است. یک مثال مصداقی بزنم، در لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) ۱۵۰ فرمانده گردان شهید وجود دارد. در چند سال گذشته ما تنها توانسته‌ایم زندگینامه حدود ۳۰ تن از این شهدا را منتشر کنیم. خیلی مواقع هم که به سراغ خانواده‌ها یا همرزمان شهدا می‌رویم، می‌گویند در این سال‌ها کجا بودید؟ پس می‌بینیم که همین الان با همه تلاش‌ها و کوشش‌هایی که صورت می‌گیرد، عقب‌ماندگی زیادی داریم.

شما که خودتان در کار نشر هستید از فروش کتب این حوزه راضی هستید؟

فروش هر کتابی نیاز به تبلیغ دارد، اما هزینه‌های تبلیغ زیاد است. اگر این هزینه‌ها کاسته می‌شد، به حتم هر کتابی را به شکل شایسته‌تری به خواننده معرفی می‌کردیم و مسلماً در فروش کتاب نیز تأثیرگذار بود. البته عنایت و توجه مقام معظم رهبری به کتب دفاع مقدسی بسیار کمک حال نویسندگان و دست اندرکاران این حوزه می‌شود. وقتی ایشان به کتابی تقریظ می‌نویسند، توجه عمومی به این حوزه افزایش می‌یابد. تأثیر توجه رهبری به قدری است که من نمی‌توانم بگویم اگر این توجه نبود، الان در برابر پاسخ سؤال شما چه جوابی می‌توانستم بدهم.

ادبیات دفاع مقدس از نویسندگان خوبی بهره می‌برد؟

بله، خوشبختانه نویسندگان خوبی در این حوزه داریم. اما به نظر من انتشاراتی‌ها باید مراقب باشند هر کتابی را به هر قیمتی منتشر نکنند. مسلماً اگر یک خواننده یک بار با کتاب ضعیفی در حوزه دفاع مقدس رو به رو شود، اقبالش برای سایر کتاب‌های این حوزه را از دست می‌دهد. در ضمن ما پذیرای نگاه‌های نو در این مقوله باشیم. شاید باید از آدم‌های جنگ نیز بخواهیم تا اجازه ورود نگاه‌های نو را بدهند. البته محتوا که یکی است و باید ارزش‌های رایج در دفاع مقدس حفظ شود، اما می‌شود نگاه‌های نو چه از حیث قلم، سوژه و نحوه پرداختن به مقوله جنگ را پذیرا بشویم. نوآوری باعث جذب مخاطبان بیشتر می‌شود.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۰۸۹

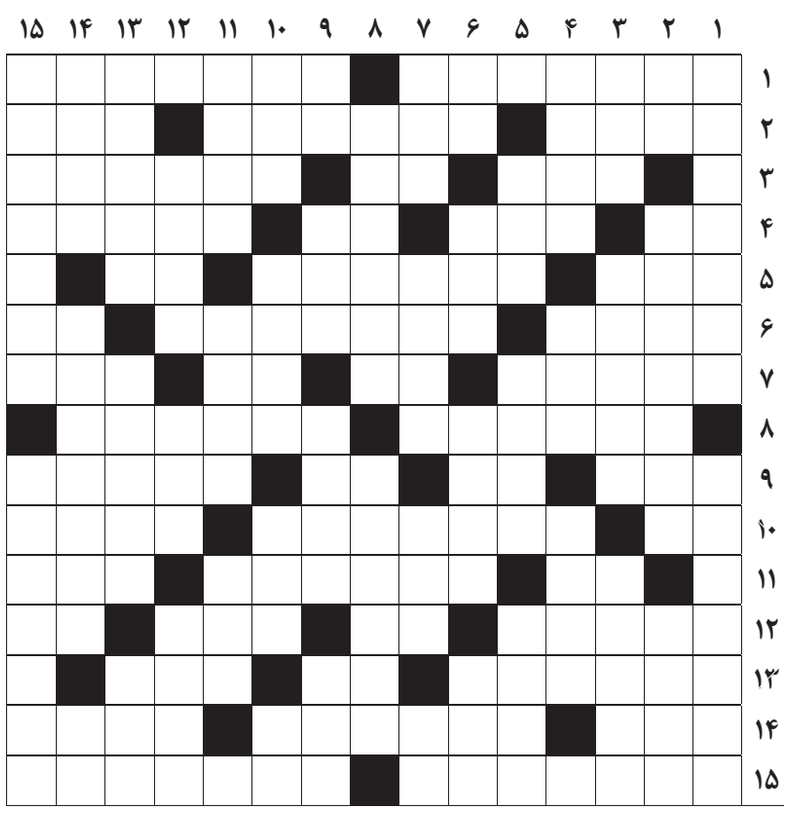

از راست به چپ

■ ۱- پرتابه‌شناسی؛ علم بررسی حرکت و پرتاب اشیا در هوا - فسیل ■ ۲- پارسنگ ترازو - پول کاغذی - از انجیل‌های چهارگانه ■ ۳- نمازی که بدون وضو هم خوانده می‌شود - هرگز عرب - عنصری شبیه شیشه ■ ۴- کمبود آن باعث گواتر می‌شود - خون غلیظ - حرف فاصله - لبریز و پر ■ ۵- قرض بانکی - آب‌دادن فلزی درخشان روی فلز دیگر - خاندان ■ ۶- خطای رایانه‌ای - نوعی کرم در دستگاه گوارشی - آتش ■ ۷- امتداد فیزیکی - زادگاه کاشف الکل - منقار پرنده - رهایی مرغ روح از قفس بدن و پرواز تا بی‌نهایت ■ ۸- شیرینی یزد - پس از انقراض این دولت تاریخ ایران را تاریخ پس از اسلام می‌نامند ■ ۹- حرکت هوا - تصدیق فرنگی - شهر جشنواره‌ای فرانسه - بازتاب و عکس‌العمل ■ ۱۰- عنصر شیمیایی - فقیر و بی‌چیز و بی‌خانمان - مهاجم سابق تیم ملی انگلیس ■ ۱۱- کجاست؟ - ترکیب شیمیایی حاوی مولکول آب - درخت همیشه لرزان ■ ۱۲- گرفتاری و بندگی - سرمربی فوتبال آلمان - تابه چدنی - صندلی فرنگی ■ ۱۳- اسکی استقامت - نو و بازنشده - رود ■ ۱۴- واحد سنجش فشار برق - هاورکرافت - خدای هندوها ■ ۱۵- مشهد شهید چمران - بسته‌شدن راه خون

از بالا به پایین

■ ۱- انقلابی ونزوئلایی بنیانگذار بولیوی - بلندترین رشته کوه خراسان ■ ۲- صدمتر مربع - محل موزه آثار طبیعی و حیات وحش ایران - ساختمان فلزی با سقف بلند ■ ۳- شیشه آزمایشگاه - سازمان جاسوسی اسرائیل - شرکت بزرگی که از چند شرکت کوچک برای تثبیت بهای کالا تشکیل می‌شود ■ ۴- از نام‌های خدا - دوختن - جنگ و نبرد ■ ۵- خروس مازنی - دختر سرزمین عجایب - از پرندگان است ■ ۶- حرف انتخاب - مسجدی در مدینه - یکی از هفت قلم بزک خانم‌های قدیم - کوچه ■ ۷- بی حال و خسته - لقب شاهان ساسانی - طایفه کوچ‌نشین - شاه بی‌شین قطع سینمایی ■ ۱۰- انسان قرآنی - حنا - سگ ماده - کنار و پهلو ■ ۱۱- فرستاده و روانه - همراه و موافق - ضمیر متصل دوم شخص جمع ■ ۱۲- جامه - صدویازده - از شهرهای استان فارس ■ ۱۳- سالی که در آنیم - رنج‌دیده و سختی‌شده - حلزون گیلانی‌ها ■ ۱۴- حشره گزنده - شهری که نصف‌النهار مبدأ از آن می‌گذرد - ترک استخوان ■ ۱۵- تیم مهدی مهدوی کیا در فوتبال آلمان - پولی اندک و ناچیز

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

			۱			۳	۶	
		۲			۷	۴		
	۵		۳	۶		۹		
				۵		۶		
							۷	۴
۷	۶							۹
۹		۸						
			۶	۱	۴			
						۲	۵	

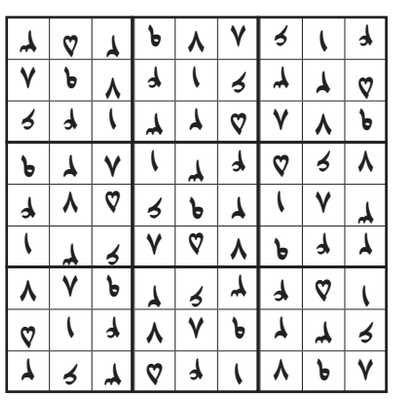

جدول کلمات متقاطع
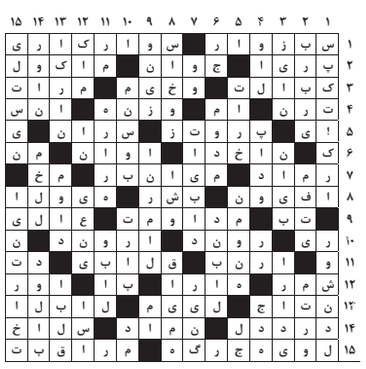
پاسخ جدول شماره ۵۰۸۸